

## تأملی بر صور سیاست‌گذاری فرهنگی در مدیریت شهری\*

مورد مطالعه: مدیریت شهری تهران (۱۳۹۶-۱۳۶۸)

صلاح‌الدین قادری<sup>۱</sup>، حسین ایمانی جاجرمی<sup>۲</sup>، مسعود گلچین<sup>۳</sup>، مجتبی بیات<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

### چکیده

سیاست‌گذاری فرهنگی مفهومی بین‌رشته‌ای است که از یک سو یکی از حوزه‌های رشته سیاست‌گذاری عمومی است و از سوی دیگر ماهیتاً رویکردی جامعه‌شناسانه دارد و می‌تواند موضوع مطالعات شهری باشد. موضوع این مقاله، صورت‌بندی مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی شهری است که در منابع علمی کمتر به آن پرداخته شده است؛ این در حالی است که شهرداری‌ها در کشورهای مختلف همواره در حال سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های فرهنگی هستند. مدیریت شهری تهران نیز در عمل، موضوعات فرهنگی را در دستورکار خود قرار داده است. نبود صورت‌بندی مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی شهری عامل سردرگمی پژوهشگران در مواجهه با هر فعالیتی است که مدیران و کارگزاران مدیریت شهری آن را به‌عنوان دستورکار و برنامه فرهنگی معرفی می‌کنند. در این پژوهش ضمن صورت‌بندی این مفهوم، مصادیق آن در فعالیت‌های مدیریت شهری تهران نشان داده شده است. این پژوهش با روش اسنادی و تحلیل مضمون و با استفاده از تکنیک کدگذاری انجام شده است. اسناد مورد بررسی شامل گزارش پژوهش‌ها، آمارنامه‌ها، گزارش‌های مطبوعاتی و قوانین حوزه شهری است. در خلق مفهومی اولیه، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری شامل ترویج و تحکیم ایدئولوژی، توسعه شهری، ارتقای سزانه‌ها، گسترش فضاهای عمومی، سیاست‌های زمانی، صنایع فرهنگی، آموزش شهروندی و تشخیص شهری است. مطابق بررسی تجربه تحقیق‌یافته مدیریت شهری تهران، از دی‌ماه سال ۱۳۶۸ تا شهریور سال ۱۳۹۶ که چهار دوره سازندگی، اصلاح‌طلبان، آبادگران و اصول‌گرایان را دربرمی‌گیرد، این مفهوم علاوه بر این هشت دستورکار، دست‌کم شامل چهار دستورکار دیگر نیز می‌شود که عبارت‌اند از: ایجاد ساختار و تشکیلات برای مدیریت فرهنگی، شبکه‌سازی و نشاط اجتماعی، اوقات فراغت و حمایت از نهادهای فرهنگ‌ساز.

**واژه‌های کلیدی:** تعیین دستورکار، سیاست‌گذاری شهری، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری، شهرداری تهران، مدیریت شهری.

\*مقاله علمی-پژوهشی، مستخرج از رساله دکتری با عنوان «مطالعه انتقادی دستورکار سیاست‌گذاری فرهنگی در

مدیریت شهری تهران»، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، [salahedin.gh@khu.ac.ir](mailto:salahedin.gh@khu.ac.ir)

۲. دانشیار گروه توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران، [imanijajarmi@ut.ac.ir](mailto:imanijajarmi@ut.ac.ir)

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، [golchin@khu.ac.ir](mailto:golchin@khu.ac.ir)

۴. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

# Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Vol. 13, No. 2, Autumn and Winter 2022

## A Reflection on Cultural-Political Forms in Urban Management Case Study: Tehran Urban Management (1989-2017)\*

Salahuddin Ghaderi<sup>1</sup>, Hossein Imani Jajarmi<sup>2</sup>, Massoud Golchin<sup>3</sup>, Mojtaba Bayat<sup>4</sup>

Received July 17, 2021

Accepted February 9, 2022

### Abstract

Cultural policy is an interdisciplinary field that is relevant to public policy on the one hand and has a social approach on the other hand, and can be studied at the municipal level. The issue raised in this paper is the formation of the concept, which has not been addressed in scientific sources. In other countries, municipalities are constantly working on cultural policies and plans. Tehran municipal management has also put this issue on its agenda. The lack of a concept of municipal cultural policy has led to some confusion among scholars in light of the plans offered by the municipality. This paper details not only the formation of this concept, but also its expression. Documents examined include reports such as research reports, statistical reports, press reports, and city rules and regulations. The creation of the original concept of urban cultural concepts can be evaluated in terms of eight different types: Idea promotion and stabilization, urban development, per capita income promotion, public space development, time policy, cultural industry, civic education, and urban indication. Analyzing the experiments carried out from 1989 to 2017 in four different construction phases, the reformist, the developmentalist and the fundamentalist, it was found that four more agendas must be added to the previous ones, including creation of structures and organizations for cultural management, networking and social vitality, leisure and support for cultural institutions.

**Keywords:** Urban policy, Urban-Cultural Policy, Agenda Setting, Urban Management, Municipality of Tehran.

---

\* Scientific-Research Article, Paper from the doctoral dissertation titled: "Critical Study of Cultural Policy Agenda in Tehran Urban Management", Kharazmi University, Faculty of Literature and Humanities, Department of Sociology.

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran, salahedin.gh@khu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Development and Social Policy, University of Tehran, Tehran, Iran, imanijajarmi@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran, golchin@khu.ac.ir

4. PhD Candidate in Cultural Policy, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding author), mojtaba.bayat@khu.ac.ir

### مقدمه و طرح مسئله

در صد سال اخیر تمرکز جمعیت و فعالیت در شهرهای بزرگی مانند تهران، مسائل متعددی نظیر کمبود مسکن، ترافیک نابسامان، بیکاری و فقر به دنبال داشته است و سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری در حل این مشکلات ناتوان بوده‌اند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۵: ۹۹-۹۸). در چنین شرایطی مدیریت شهری همواره سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های فرهنگی را در دستورکار داشته است. سیاست‌گذاری فرهنگی، ابزارها و ساختارهای حاکم بر هویت‌ها و ارزش‌ها، برخورداری‌ها و محرومیت‌ها، نمادها و میراث فرهنگی، هنر و سرگرمی، صنایع فرهنگی و نیز صداها را که شنیده می‌شوند و صداهایی که به سکوت واداشته می‌شوند، دربرمی‌گیرد (سینگ، ۱۳۹۶: ۳-۶). قانون‌گذاری و ارائه خدمات و پشتیبانی، ابزارهای دولت و بخش عمومی در سیاست‌گذاری فرهنگی هستند. قانون‌گذاری شامل اقداماتی نظیر صدور گواهینامه، وضع استانداردها و محدودیت‌ها، صدور پروانه و مجوز و برنامه‌ریزی است. خدمات پشتیبانی از حوزه فرهنگ نیز با اقداماتی مانند تأمین منابع و زیرساخت‌ها و کنترل سازمان‌های غیرانتفاعی فعال در این حوزه، اعطای یارانه، کمک مالی و تشویق به فعالیت‌های فرهنگی با معافیت مالیاتی برای افراد حقیقی و حقوقی دنبال می‌شود (روزنشتاین، ۲۰۱۸: ۱۶۴-۱۰۳). منظور ما از سیاست‌گذاری فرهنگی، آن دسته از «فعالیت‌های بوروکراتیکی» (میلر و یودیس، ۱۳۸۹: ۲۶) است که سازمان‌های دولتی و عمومی -مدیریت شهری تهران- برای تحقق ارزش‌ها و اهداف فرهنگی خود اتخاذ می‌کنند.

موضوع این مقاله صورت‌بندی مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی شهری است که در ادبیات نظری و تجربی کمتر به آن پرداخته شده است. این در حالی است که شهرداری‌ها در شهرهای مختلف از جمله در تهران همواره در حال سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های فرهنگی بوده‌اند. براساس مطالعات موجود (فاضلی، ۱۳۹۱ الف؛ ایمانی، ۱۳۹۲)، شهرداری‌ها غیر از وظایف خدماتی و فنی در حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی نظیر فرهنگ و آموزش (توسعه زیربناها و جلب مشارکت مردم)، سلامت (ساخت مراکز درمانی)، توانمندسازی (مانند ساخت دارالمساکین و جمع‌آوری متکدیان و سوق‌دادن آنان به شغل و حرفه)، تاریخ و فرهنگ (مرمت آثار و بناهای تاریخی و فرهنگی)، جلب مشارکت اجتماعی (زمینه‌سازی برای سهم‌بخشیدن به آحاد مردم در مدیریت شهری) و تقویت جامعه مدنی نیز وظایفی قانونی برعهده دارند (فاضلی، ۱۳۹۱ الف):

۳۳۰). با تغییرات نیازهای شهروندان در اوایل دهه ۱۳۷۰ - که متأثر از رشد شهرنشینی و متعاقباً ایجاد نگرش‌های فرهنگی جدید (عبدی، ۱۳۸۸: ۱۵۷) بوده است - توجه شهرداری‌ها به مسائل اجتماعی و فرهنگی بیشتر شده است؛ برای نمونه می‌توان به تأسیس روزنامه همشهری، خانه‌های فرهنگ محله‌ها و فرهنگسراها در دهه ۱۳۷۰ و توجه مستمر به موضوع ایجاد فضاهایی برای گذران اوقات فراغت شهروندان و توجه به «توسعه طرح‌های گردشگری» اشاره کرد (ایمانی جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶۷). در طرح‌های جامع شهر تهران (۱۳۴۵ و ۱۳۸۶) هم به برخی از وظایف اجتماعی و فرهنگی شهرداری مانند احداث مسجد و تکیه، کتابخانه و نیز تأسیسات فرهنگی نظیر باشگاه ورزشی، موزه و تالار هنری و... اشاره شده است. در بودجه سالیانه شهرداری تهران نیز ردیف‌های قابل‌اعتنایی برای فعالیت‌های فرهنگی پیش‌بینی می‌شود؛ برای مثال در سال ۱۳۹۶ مجموع بودجه مصوب در شورای اسلامی شهر تهران، در ۲۲ ردیف درمورد فعالیت‌های فرهنگی مربوط به معاونت امور اجتماعی و فرهنگی و سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران بالغ بر ۸۶۴,۳۳۸,۲۶۸,۰۰۰ ریال (معادل هشتادوشش میلیارد و چهارصد و سی‌وسه میلیون و هشتصد و بیست‌وشش هزار و هشتصد تومان) - نیم درصد بودجه نقد و غیرنقد یکصد و هفتادونه هزار میلیارد (۱۷۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریالی شهرداری تهران (شورای اسلامی شهر تهران، بی‌تا) - بوده است. ریزمبالغ هر یک از ردیف‌های بودجه‌ای مربوط به دستورکارهای فرهنگی، در جدول ۱ آمده است (معاونت برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران، ۱۳۹۵).

جدول ۱. ردیف‌های اعتباری فرهنگی در بودجه مصوب ۱۳۹۶ شهرداری تهران

ردیف اعتباری	بودجه به ریال
ایجاد و توسعه زیرساخت‌های فضاهای تفریحی	۲۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
غنی‌سازی اوقات فراغت شهروندان	۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
فرهنگ‌سازی و اجرای ورزش‌های همگانی	۶۹,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰
کمک به ساخت و توسعه مساجد و اماکن مذهبی	۱۵,۷۲۹,۰۰۰,۰۰۰
نکوداشت مناسبت‌های مذهبی و ملی	۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
ترویج امور دینی، فرهنگ، قرآن و معارف اسلامی	۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
سامان‌دهی فضاهای با هویت فرهنگی و تاریخی	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

## ادامه جدول ۲. ردیف‌های اعتباری فرهنگی در بودجه مصوب ۱۳۹۶ شهرداری تهران

ردیف اعتباری	بودجه به ریال
ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و تکریم مفاخر دفاع مقدس	۱۸,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰
اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری	۴۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
حمایت از مؤسسات فرهنگی و هنری (کمک)	۱,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰
فرهنگ‌سازی فعالیت‌های ارزشی و بصیرت‌افزایی	۳۶,۴۵۵,۰۰۰,۰۰۰
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	۸,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
حمایت از کتابخانه‌های عمومی شهر تهران (کمک)	۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
کمک به توسعه و تجهیز مدارس	۱۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۳۳
کمک به ارتقای فرهنگ و ارتقای فرهنگ اسلامی ایرانی	۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
توسعه فضاهای فرهنگی و هنری	۱۱۵,۰۰۲,۰۸۰,۰۰۰
نگهداری کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها	۱۰,۸۴۱,۶۲۴,۰۰۰
نگهداری فضاهای فرهنگی و هنری	۷۰,۸۹۰,۸۷۶,۰۰۰
توسعه و تجهیز کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها	۳,۰۴۸,۶۸۸,۰۰۰
تملك اراضی و املاک برای کاربری ورزشی، تفریحی و فرهنگی	۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
اجرای طرح‌های اجتماعی و فرهنگی کودکان	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری ویژه بانوان	۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
جمع کل	۸۶۴,۳۳۸,۲۶۸,۰۰۰

اما مسئله این است که تاکنون در ایران فعالیت‌های متعدد فرهنگی شهرداری‌ها در ذیل مفهوم واحدی صورت‌بندی نشده‌اند و پاسخ به این پرسش که سیاست‌گذاری فرهنگی شهری چیست، مغفول است. عدم صورت‌بندی این مفهوم به شکل‌نگرفتن بیش نظری برای تحلیل و ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی مدیریت شهری منجر شده است. از این‌رو نقطه تمرکز این مقاله بر خلق مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی شهری و فراهم کردن ابزار مفهومی-نظری سیاست‌گذاری برای استفاده سیاست‌گذاران و تحلیل و ارزیابی دستورکارهای فرهنگی مدیریت شهری از سوی فعالان جامعه مدنی و جامعه دانشگاهی است. بدین منظور پس از مرور ادبیات نظری و تجربی پژوهش، فعالیت‌های فرهنگی مدیریت شهری تهران حد فاصل دی‌ماه ۱۳۶۸ تا شهریورماه ۱۳۹۶ در قالب چهار دوره سازندگی، اصلاح‌طلبان، آبادگران و اصول‌گرایان بررسی و تحلیل می‌شود.

## ادبیات پژوهش

### مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی شهری

فرهنگ یکی از موضوعات اصلی علوم اجتماعی است و به مجرد اینکه موضوع فعالیت و مداخله دولت قرار می‌گیرد، پا به عرصه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی می‌گذارد. از آنجا که هدف اصلی این پژوهش صورت‌بندی مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی شهری است، با مباحث سیاست‌گذاری شهری نیز پیوند می‌خورد. در نتیجه موضوع و مسئله این پژوهش بین‌رشته‌ای است.

سیاست‌گذاری عمومی مفهومی اعم از برنامه‌ریزی است و حدود آن با تشریح مفاهیمی نظیر عمومی، سیاست، حقوق عمومی و اداره امور عمومی روشن می‌شود (شافریتز و پی. بریک، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۰). عرصه‌ای از زندگی انسانی که خصوصی نیست و به دلیل مشترک‌بودن بین همه افراد جامعه، دولت آن را تنظیم و برای حل مسائل آن برنامه‌ریزی می‌کند و کالا یا خدماتی را در دسترس همگان قرار می‌دهد، عمومی نامیده می‌شود (پارسونز، ۱۳۹۲: ۲۰). در مقایسه نزدیک با مفهوم عمومی، سیاست تصمیمی پایا است که دولت به‌عنوان یک منبع اقتدار، برای حل مسائل جامعه اتخاذ می‌کند. حقوق عمومی نیز به مجموعه تصمیمات سیاستی اطلاق می‌شود و اداره امور عمومی تعبیر دیگری از فعالیت‌های دولت برای اجرای حقوق عمومی است (شافریتز و پی. بریک، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۱). به این ترتیب سیاست‌گذاری عمومی مجموعه اهداف و اقدامات حقوقی و رسمی دولت است که برای پاسخ به نیازها و حل مسائل حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی شهروندان طراحی و اجرا می‌شود. پدیده شهر اساساً موضوعی عمومی است (پارسونز، ۱۳۹۲: ۲۰) و سیاست شهری متأثر از سیاست‌گذاری عمومی شکل می‌گیرد. در ادبیات برنامه‌ریزی شهری غالباً مفهوم سیاست‌گذاری شهری را بدیل سیاست‌گذاری رفاه شهری می‌دانند که به‌عنوان دانشی بین‌رشته‌ای به‌دنبال بسیج حوزه‌های مطالعات شهری برای ارائه راه‌حل مشکلاتی نظیر مسکن، مددکاری اجتماعی، آموزش، بهداشت، دفع زباله و... است. هم‌راستاسازی فرایندهای مختلف توسعه شهری، از رونق تجارت و اشتغال تا گردشگری و امکانات فرهنگی نیز از جمله دستورکارهای سیاست‌گذاری شهری است (کاکرین، ۲۰۲۰: ۹۳-۶۹).

مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی با ورود فرهنگ و هنر به دستورکار سیاست‌گذاری عمومی ظاهر شد (توپلر و زیمر، ۱۳۸۸). این مفهوم ناظر به بخشی از

راهبردها و اقدامات دولتی است که با هدف ارتقای فعالیت‌های تولید، انتشار و بازاریابی و مصرف هنری شکل می‌گیرد (مولکی‌هی، ۲۰۰۶: ۳۲۰). سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) (۲۰۱۵) اهداف سیاست‌ها و اقدامات فرهنگی را تقویت زنجیره ارزش نوآوری، تولید، انتشار، توزیع و دسترس‌پذیری به محصولات و خدمات فرهنگی می‌داند.

با انتشار سند «صورتجلسه ۲۱ برای فرهنگ» توسط «کمیسیون شهرهای متحد و دولت‌های محلی در مورد فرهنگ»<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) که هدف تحقق توسعه شهری از رهگذر اهتمام شهرها به حقوق بشر، حفاظت از گونه‌های فرهنگی، دموکراسی، مشارکت پایدار و ایجاد شرایط برای صلح را دنبال می‌کند، حدود جهان‌شمول سیاست‌گذاری فرهنگی شهری ترسیم شده است. تعهدات شهرها و حکومت‌های محلی که به این سند پیوسته‌اند، سیاست‌هایی نظیر حمایت از تولید و توزیع کالاهای فرهنگی با مشارکت همه گروه‌های شهروندان، اختصاص بودجه توسط شهرداری‌ها به فعالیت‌های فرهنگی، توسعه فرهنگ‌های بومی و محلی، فراهم کردن بنیان‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مهاجران و سایر شهروندان، در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری، گسترش فضاهای عمومی شهری، دفاع بدون تبعیض از حقوق فرهنگی همه شهروندان، جلب مشارکت هنرمندان و فعالان فرهنگی برای حل چالش‌های شهری و بهبود کیفیت زندگی، تسهیل دسترسی آحاد شهروندان از جمله افراد کم‌برخوردار به خدمات فرهنگی، پاسداشت میراث فرهنگی از طریق برگزاری نمایشگاه‌ها، ایجاد موزه و طراحی برنامه‌های گردشگری و... را در برمی‌گیرد.

ناوارو و کلارک (۲۰۱۲) پژوهشی با موضوع دستورکار سیاست‌گذاری فرهنگی در شهرهای اروپایی انجام دادند. آن‌ها سیاست‌های شهر خلاق که در آن فرهنگ موتور توسعه شهری است، شهر آموزش‌دهنده را که با ارائه خدمات آموزشی، فرهنگی و اوقات فراغت به دنبال تأمین رفاه شهروندان است و شهر به‌مثابه صحنه ظهور فرهنگ که هدف آن گسترش مصرف فرهنگی در میان آحاد شهروندان است، به‌عنوان سه دستورکار فرهنگی شهری برشمردند. در این پژوهش با نظرسنجی از شهرداران اروپایی، سه عامل ظرفیت‌های نهادی شهرداری‌ها، منابع و سرمایه‌های فرهنگی شهر و سیاست‌های محلی احزاب حاکم، به‌عنوان عوامل اثرگذار بر این دستورکارها شناسایی شدند.

<sup>۱</sup>. United Cities and Local Governments Committee on culture

در نظر گرفتن فرهنگ به عنوان متغیری کلیدی در سیاست‌گذاری شهری از چنان عمومی‌تری برخوردار شده است که پژوهشگران را به طراحی شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری آن در شهرها ترغیب کرده است. موتالتو و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش «سنجش فرهنگ: رویکردی تجربی برای سنجش خلاقیت و سرزندگی فرهنگی در شهرهای اروپایی» شاخص «دیده‌بانی شهرهای فرهنگی و خلاق»<sup>۱</sup> را طراحی کردند. این شاخص سه وجه اصلی را دربرمی‌گیرد: ۱. میزان حضور شهروندان در فضاهای شهری در ذیل عنوان «نشاط فرهنگی» با نشانگرهای تعداد مکان‌های دیدنی، تعداد موزه‌ها، صندلی‌های سینما، تعداد سالن‌های کنسرت و نمایش، تعداد سالن‌های تئاتر، تعداد شب‌های اقامت گردشگران، تعداد بازدیدکنندگان از موزه‌ها، میزان حضور شهروندان در سینما و رضایت کلی از امکانات فرهنگی؛ ۲. ظرفیت فرهنگ در ایجاد مشاغل فرهنگی در ذیل عنوان «اقتصاد خلاق» با نشانگرهای تعداد مشاغل هنری، فرهنگی و سرگرمی، تعداد مشاغل رسانه‌ای و ارتباطی، تعداد مشاغل خلاق دیگر، تعداد اختراعات ثبت شده در حوزه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، تعداد طرح‌های جامع عملیاتی شده<sup>۲</sup>، تعداد مشاغل ایجادشده در شرکت‌های هنری، فرهنگی و سرگرمی، تعداد شغل‌های ایجادشده در شرکت‌های رسانه‌ای و ارتباطی و تعداد شغل‌های ایجادشده در شرکت‌های مربوط به سایر بخش‌های خلاق؛ ۳. شرایط رشد فرایندهای فرهنگی و خلاقانه در ذیل عنوان «زیست‌بوم امکان‌پذیری» با نشانگرهای تعداد دانش‌آموختگان هنر و علوم انسانی، تعداد فارغ‌التحصیلان فناوری ارتباطات و اطلاعات، میانگین رده‌بندی دانشگاه‌ها، تعداد فارغ‌التحصیلان خارجی دانشگاه‌ها، تعداد متولدان خارجی در شهر، مدارا با خارجی‌ها، اعتماد اجتماعی، تعداد پروازهای مسافری، دسترسی‌های بالقوه جاده‌ای، تعداد قطارهای به مقصد سایر شهرها و کیفیت حکمرانی. در این پژوهش این ۲۹ نشانگر در ۱۶۸ شهر و در ۳۰ کشور اروپایی سنجش شدند و نتیجه آن به‌عنوان معرفی برای وضعیت رفاهی شهرها تحلیل شده است.

حجتی و نعمتی‌مهر (۱۳۹۸) نشانگرهای برنامه‌ریزی فرهنگی در شهرهای ایران را با نظرخواهی از متخصصان برای تعیین وزن شاخص‌ها اولویت‌بندی کردند. براساس نتایج، دسته اول نشانگرهای اولویت‌دار موضوعات عبارت‌اند از: ۱. درصد هزینه‌های اقلام فرهنگی در

<sup>۱</sup>. The Cultural and Creative Cities Monitor – CCCM

<sup>۲</sup>. طرح‌های توسعه اجتماعی و کالبدی محله‌ها که با مشارکت مردم محلی تهیه می‌شوند.



مجموع هزینه‌های خانوار؛ ۲. درصد درآمدهای خانوار از مشاغل فرهنگی؛ ۳. میزان استفاده از سمبل‌ها و نمادها در شهر؛ ۴. تعداد شخصیت‌های فرهیخته و شناخته‌شده در شهر. دسته دوم اولویت‌های برنامه‌ریزی فرهنگی شهری نیز شامل تعداد نمادهای دینی شهر، درصد معابر با مقیاس انسانی، تعداد عناصر شاخص شهر، درصد مهاجران ورودی به شهر و مبدأ سکونت آنان، میزان دسترسی به خدمات عمومی (فرهنگی) از طریق حمل‌ونقل عمومی و تعداد کاربری‌های شبانه در شهر می‌شود.

مفاهیم، شاخص‌ها و زمینه‌های شناسایی شده در پژوهش‌های بالا موضوعاتی هستند که به‌طور بالقوه می‌توانند به‌عنوان دستورکار سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در نظر گرفته شوند. در این مطالعه، مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی شهری ناظر بر اصول، راهبردها و برنامه‌های مدیریت شهری برای ترویج ارزش‌های مطلوب و بهره‌برداری از فرهنگ در راستای اهداف سیاست‌گذاری شهری است. در گام نخست، براساس مرور ادبیات پژوهش، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در انواع زیر شناسایی شده است: سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای ترویج و تحکیم ایدئولوژی، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری تابع توسعه شهری، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای ارتقای سرانه‌ها، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای فضاهای عمومی، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در راستای سیاست‌های زمانی، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای تشخص شهر، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای صنایع فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای آموزش شهروندی.

### سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای ترویج و تحکیم ایدئولوژی

هر نوع سیاست شهری در تعامل و کشاکش بازیگران عرصه سیاست‌گذاری اعم از دولتی، عمومی و خصوصی و در بستر گفتمان غالب سیاست‌گذاری عمومی شکل می‌گیرد و «هسته و کانون سیاست شهری مستمراً در عکس‌العمل به ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های غالب سیاست‌گذاری عمومی تغییر می‌یابد» (کاکرین، ۱۳۹۷: ۶۷). در ایران، حاکمیت آرمان‌های اسلامی و انسانی از اهداف اساسی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) بوده است و بالطبع نظام برآمده از این انقلاب، در تمام سال‌های استقرار، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تعالی و توسعه فرهنگی را از جمله اولویت‌های خود قرار داده است. به تعبیر اشتریان (۱۳۹۱) آرمان‌ها و ایدئولوژی‌ها از جمله متغیرهای مهم در تعیین

موضوعات، مسائل محل مداخله و سیاست‌گذاری فرهنگی هستند (همان: ۵۱). از این‌رو ارزش‌های انقلاب اسلامی را می‌توان یکی از منابع تعیین‌کننده اولویت‌های سیاست‌گذاری فرهنگی و درعین‌حال به‌عنوان نخستین نوع از سیاست‌گذاری فرهنگی شهری دانست. در این نوع سیاست‌گذاری، مدیریت شهری تنها یکی از عوامل این محیط پربازیگر است (گودرزی و شیخ‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۷) و رفتار آن تابعی از دستگاه‌های اصلی این حوزه، نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و سازمان تبلیغات اسلامی است.

### سیاست‌گذاری فرهنگی شهری تابع توسعه شهری

وجه دوم سیاست‌گذاری فرهنگی شهری، به تابعیت آن از سیاست‌گذاری شهری بازمی‌گردد. فرهنگ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حیات شهرها است و سیاست‌گذاری فرهنگی شهری می‌تواند در نقش تسهیل‌گر و پیش‌برنده سیاست‌های توسعه شهری ظاهر شود. توسعه شهری مفهومی است که به‌طور عام بر فرایند بهبود مسائل شهری نظیر رشد جمعیت، کاربری اراضی، امکانات زیربنایی، محیط‌زیست، مسکن و فقر اطلاق می‌شود. هدف توسعه شهری، بسامان‌کردن مسائل شهری است و این هدف از رهگذر «تجدید ساختار» شهر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی محقق می‌شود (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۶: ۳۴). به تعبیر کاکرین (۱۳۹۷) فرهنگ «ابزار کلیدی در زرادخانه ارتقای مکانی» است و در توسعه شهری سیاست‌گذاری فرهنگی به‌مثابه ابزار تدارک نوسازی اقتصادی و اجتماعی عمل می‌کند (همان: ۲۰۹-۲۱۱). مک‌کان (۲۰۰۲) سیاست فرهنگی را درگاه شناخت اقتصاد سیاسی شهری می‌داند و با طرح مفهوم «سیاست فرهنگی توسعه اقتصادی محلی»، سیاست‌های شهری را یک فرایند پیچیده اجتماعی-مکانی قلمداد می‌کند و نشان داده است که گفتمان‌های معناساز فرهنگی با سیاست‌های مکان‌سازی که هدف آن توسعه اقتصاد محلی است، درهم آمیخته‌اند (همان: ۳۸۷).

### سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای ارتقای سرانه‌ها

در پیوند با مسائل توسعه شهری، سیاست‌گذاری فرهنگی برای ارتقای سرانه‌های شهری نیز موضوعیت دارد. به تعبیر باستییه و دزر (۱۳۸۲) فرهنگ به گونه‌های مختلف در سیما و فضای کالبدی شهر متجلی می‌شود؛ از جمله در امکانات فرهنگی که «نه‌تنها برای جمعیت خود شهر،

بلکه برای جمعیت منطقه تحت نفوذ آن نیز قابل استفاده است» (همان: ۱۵۴). در شرح خدمات قراردادهای تهیه طرح‌های توسعه و عمران شهری که به «قرارداد تیپ ۱۲» مشهور است، در کنار کارکردهایی نظیر فضای سبز، ورزشی، آموزشی، اداری، درمانی، تأسیسات شهری و... به دو کارکرد شهری فرهنگی و مذهبی نیز توجه شده است و باید برای تأمین سرانه‌های آن‌ها برنامه‌ریزی صورت گیرد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹). شورای عالی شهرسازی و معماری ایران نیز در مصوبه «تعاریف و مفاهیم کاربری‌های شهری و تعیین سرانه‌ها»، به کاربری‌های «فرهنگی-هنری» و «مذهبی» در دو مقیاس محلی و شهری توجه کرده است. کاربری‌های فرهنگی-هنری شامل فضاها و امکاناتی نظیر کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، سالن‌های اجتماعات، سینما، تئاتر و کنسرت، نگارخانه‌ها و... و کاربری‌های مذهبی شامل مساجد، حسینیه‌ها، کلیسا و... می‌شوند (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۹).

#### سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای فضاها عمومی

یکی از وجوه تمایز عملکرد فرهنگی مدیریت شهری با سایر بازیگران محیط سیاست‌گذاری فرهنگی، امکان بهره‌برداری از فضاها عمومی شهری است. فضای شهری محصول نیروهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و به‌عنوان فضای عمومی، کانون و بستر بروز حیات مدنی و شهرگرایی است (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۷). در واقع شهر پدیده‌ای است که در آن حیات اجتماعی جریان دارد و جامعه‌پذیری شهروندان در فضاها عمومی شهری صورت می‌گیرد. درحالی‌که دسترسی و حضور در فضاها عمومی برای آحاد شهروندان آزاد است، رفتار ایشان تابع هنجارهای اجتماعی و قوانین است. شهروندان با حضور در این فضاها ضمن ایفای نقش‌های اجتماعی، به روابط عاطفی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود نیز شکل می‌دهند. در واقع فضاها عمومی شهری «از نظر روانی-عاطفی فعال بوده و امکانات ارتباطات چهره‌به‌چهره انسانی در درون اجتماعی شهری و در کالبدی سازمان‌یافته را فراهم می‌آورد» (حبیبی، ۱۳۷۹: ۲۳). زیرساخت‌های اجتماعی را می‌توان به‌عنوان تعبیر دیگری از فضاها عمومی شهری در نظر گرفت. چه اینکه این زیرساخت‌ها مشوق ارتباط، حمایت متقابل و همکاری است و می‌تواند با تسهیل ارتباط بین شهروندان نقش «سنگ بنای زندگی عمومی» را ایفا کنند (کلاینبرگ، ۱۳۹۹:

۱۵). از این رو سیاست‌گذاری فرهنگی در قلمرو عرصه‌های عمومی شهری، یکی دیگر از گونه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی شهری است.

### سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در راستای سیاست‌های زمانی

آیین‌ها و رویدادهای تقویمی، یکی دیگر از وجوه سیاست‌گذاری فرهنگی شهری هستند. تقویم یکی از ابزارهای اعمال سیاست‌های زمانی حکومت‌ها است که معمولاً با هدف تعریف هویت و کسب مشروعیت از تاریخ اعمال می‌شود (شریعتی و سروش‌فر، ۱۳۹۶: ۶۷). به تعبیر فکوهی (۱۳۹۴) یکی از کارکردهای آیین‌ها که با اتکای بر تاریخ و تقویم شکل می‌گیرد، «کنترل جامعه و بازتولید قدرت و نظم در جامعه» (همان: ۵۱) از طریق انتقال هویت‌ها در بین نسل‌های مختلف است. در نتیجه موضوع آیین‌ها و مناسبت‌ها از وجوه اصلی شهرهای مدرن است که در عین ریشه‌داشتن در مناسک دینی، عرفی و سنتی با صورتی جدید، کارکردهای خود را دارند. مدیریت شهری در راستای سیاست‌های زمانی حکومت و با هدف انتقال هویت، با بسیج امکانات و زیرساخت‌ها برای تسهیل یا برگزاری رویدادهایی نظیر جشن‌ها و سوگواره‌های ملی و مذهبی که معمولاً در فضاها شهری شکل می‌گیرند، نقش مهمی در پاسداشت آیین‌ها و رویدادهای تقویمی دارند.

### سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای تشخیص شهر

سیاست‌گذاری برای تشخیص و هویت شهری، یکی دیگر از اقسام سیاست‌گذاری فرهنگی شهری است. هویت به «فرایند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی» (کاستلز، بی تا: ۲۲) اطلاق می‌شود؛ در حالی که هویت سازنده شهر است و شهر نیز عنصری هویت‌ساز برای آیندگان است (حیب و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۰). کارگزاران شهری «از طریق سیاست‌های فرهنگی به نوسازی یا بازآفرینی فرهنگ‌های شهری و دگرگونی وجهه و تصویر شهر» (فاضلی، ۱۳۹۱: ب: ۱۲۸) می‌پردازند و تلاش می‌کنند تصویری مطلوب و متمایز از هویت شهر را در ذهن شهروندان به وجود بیاورند. در واقع یکی دیگر از وجوه هویت‌بخشی به شهر که در مباحث برندسازی شهری نیز به آن توجه شده است، ایجاد تصویری متمایز از شهر است (رحیمیان و منوریان، ۱۳۹۵: ۳۹) که ارزش‌افزایی اقتصادی و

رونق اقتصاد فرهنگ از طریق گسترش فعالیت‌هایی نظیر گردشگری را به‌دنبال دارد (نصر اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۰).

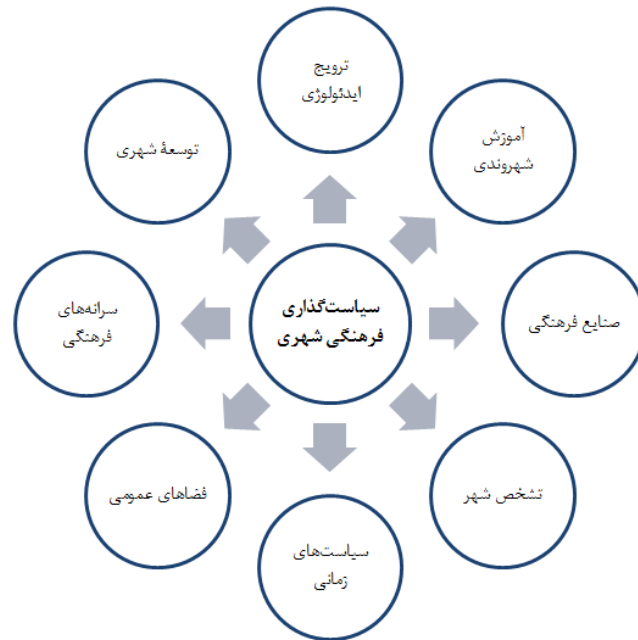
### سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای صنایع فرهنگی

در وجهی دیگر از سیاست‌گذاری فرهنگی شهری، کارگزاران سیاست‌گذاری با انتخاب‌گری در ترویج و حمایت از انواع صنایع فرهنگی اهداف ارزشی و اقتصادی خود را دنبال می‌کنند. صنایع فرهنگی همان چیزی است که ویلیامز (۱۳۹۶) از آن به‌عنوان «ابزارهای مادی تولید فرهنگ» یاد می‌کند (همان: ۱۱۷) و کارگزاران شهری با سرمایه‌گذاری در آن علاوه بر انتظار ایفای کارکردهای معنایی و ارزشی، اهدافی نظیر ایجاد فرصت‌های رشد و بازآفرینی شهری را دنبال می‌کنند (اوجوا و رامیرز، ۲۰۱۸: ۸). سینما، تلویزیون، تئاتر، انیمیشن، موسیقی، عکاسی، نقاشی، گرافیک، گردشگری، آموزش، کتاب، نوشت‌افزار، اسباب‌بازی، مد، دکوراسیون، تبلیغات، صنایع دستی، بازی‌های کامپیوتری، ورزش و... انواع محصولات صنایع فرهنگی هستند. این صنایع لزوماً دارای هدف فرهنگی نیستند و ممکن است با استفاده از روش‌های مرسوم بازاریابی تجاری و صنعتی به‌دنبال تأمین ذائقه انبوه مصرف‌کنندگان باشند و صورتی بازاری به خود بگیرند. مشخصه بارز صنایع فرهنگی، ماهیت دوگانه فرهنگی و اقتصادی آن‌ها است. این صنایع از سویی فرصت دسترسی عمومی به فرهنگ و به‌رسمیت شناختن تنوع فرهنگی را فراهم می‌کنند و از سوی دیگر، در چرخه ایده‌پردازی، تولید، توزیع و مصرف نوآوری، اشتغال و ثروت‌افزایی را به‌دنبال دارند (دیوم، ۲۰۰۸: ۳۶۱-۳۵۸). با در نظر گرفتن اینکه مهم‌ترین زیستگاه صنایع فرهنگی شهرها هستند، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری پیوند مستحکمی با اقتصاد شهری دارد و صنایع فرهنگی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد شهری اثرگذارند.

### سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای آموزش شهروندی

وجه آخر سیاست‌گذاری فرهنگی شهری، ناظر بر آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی بر محور حق و مسئولیت شهروندی است. این وجه شامل موضوعاتی نظیر ارتقای فرهنگ حمل‌ونقل و ترافیک، ارتقای فرهنگ حراست از محیط‌زیست شهری، فرهنگ‌سازی و آموزش تفکیک پسماند از مبدأ، فراهم‌کردن فرصت‌های سالم گذران اوقات فراغت، ارائه آموزش‌های شهروندی برای تقویت فرهنگ نظارت عمومی و پاسخ‌خواهی از مدیران شهری، جلب همه‌جانبه مشارکت

اجتماعی شهروندان در سطوح تشخیص مسائل محلی و شهری، اولویت‌بخشی برای مداخله، ارائه راه‌حل، اجرا و نظارت بر رفع مسئله، ارائه آموزش‌های مهارت زندگی شهری و ترویج مواردی نظیر شهر دوستدار کودک، شهر دوستدار سالمند و شهر دوستدار معلول می‌شود.



نمودار ۱. دستورکارهای سیاست‌گذاری فرهنگی شهری براساس مرور ادبیات نظری و تجربی پژوهش

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش صورت‌بندی مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی شهری هم‌بنیادی و هم‌کاربردی است؛ بنیادی از این نظر که سیاست‌گذاری فرهنگی شهری را به‌عنوان یک مفهوم نسبتاً جدید به ادبیات نظری مطالعات سیاست‌گذاری و جامعه‌شناسی اضافه می‌کند و چشم‌انداز تحلیلی جدیدی در این حوزه ایجاد می‌کند و کاربردی از این جهت که ابزار تحلیلی جدیدی را در اختیار فعالان حوزه سیاست‌گذاری شهری اعم از دستگاه‌های رسمی و جامعه علمی قرار می‌دهد. بیش از هفتصد عنوان مقاله پژوهشی، کتاب، آمارنامه، گزارش مطبوعاتی، گزارش عملکرد و قوانین مربوط به فعالیت‌های فرهنگی شهری اسنادی هستند که در این پژوهش با روش تحلیل مضمون

بررسی شده‌اند. روش تحلیل مضمون عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها برای یافتن معنای آن‌ها. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده‌ها است و زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی مضمون‌ها از داده‌ها نشئت می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۶). در مواجهه با اسناد پژوهش، از «کدگذاری توصیفی» استفاده شده است که موضوع هر بند از داده‌های کیفی را مشخص و تلخیص می‌کند (سالدنا، ۱۳۹۵: ۱۳۷). این کدگذاری در سه مرحله کدگذاری اولیه، مضمون اولیه و مضمون اصلی صورت گرفته است.

این پژوهش درمورد فعالیت‌های فرهنگی مدیریت شهری تهران - شهرداری به‌عنوان رکن اجرایی و شورای اسلامی شهر (از زمان تشکیل در سال ۱۳۷۷) و یکی از ارکان سیاست‌گذاری شهری - از دی‌ماه سال ۱۳۶۸ تا شهریور سال ۱۳۹۶ صورت گرفته است. در این دوره شهرداری تهران پنج شهردار و سه سرپرست را به خود دیده است (مهرگان و داوری، ۱۳۹۹). بازه زمانی پژوهش برای روشن‌تر شدن ویژگی‌ها، تمایزات و شباهت‌ها، با توجه به زمینه اجتماعی-سیاسی که در آن شهرداری اداره می‌شد، به چهار دوره سازندگی، اصلاح‌طلبان، آبادگران و اصول‌گرایان دسته‌بندی شده است.

یافته‌ها

### ۱. دوره سازندگی

در دوره سازندگی، شهرداری تهران به مدت ۱۰۳ ماه با مدیریت غلامحسین کرباسچی، ضمن ایفای کارویژه‌های جدید فرهنگی، معنای جدیدی به خود گرفته است؛ به طوری که در پس برنامه‌ریزی برای گسترش فضاهای فرهنگی، انتشار روزنامه همشهری، قلمداد کردن فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای توسعه شهری، تبدیل بافت‌های ناکارآمد شهری به فضای فرهنگی و هنری، افزایش سرانه‌های فرهنگی و احیای سنت‌ها به‌عنوان ابزاری برای مقابله با تهاجم فرهنگی، شکل‌دهی به فرهنگ شهری و تربیت شهروندانی که در فضای شهری و در قبال شهرداری رفتار مطلوب دارند نیز مدنظر سیاست‌گذاران بوده است. در این دوره حفظ هویت بومی و دینی جامعه شهری نیز از چنان اهمیتی برخوردار بوده که آن را هم‌شأن، بلکه مهم‌تر از اقدامات عمرانی می‌دانسته‌اند. براساس تحلیل مضمون انجام‌شده، تغییر سیاست شهرداری و هم‌نشینی

دستورکارهای عمرانی و خدماتی با دستورکارهای فرهنگی زیر همراه بوده است: ترویج و تحکیم ایدئولوژی انقلابی و دینی برای مقابله با تهاجم فرهنگی، توسعه شهری با بازآفرینی فضاهای متروکه، محرومیت‌زدایی و توسعه فرهنگی، ارتقای سرانه‌های فرهنگی و کیفیت زندگی و جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، سیاست زمانی دینی و انقلابی، بازیابی هویت و تشخیص شهری، رونق‌بخشی به صنایع فرهنگی با محوریت ایجاد فضای عرضه محصولات فرهنگی-هنری، آموزش شهروندی مبتنی بر شهروندسازی، گسترش فضاهای عمومی، ایجاد ساختار و تشکیلات فرهنگی با محوریت گسترش ساختار اداری مستقل حوزه فرهنگی و اجتماعی در شهر و اوقات فراغت با محوریت توسعه زیرساخت، اجرای برنامه‌های فراغتی و مهارت‌آموزی. در جدول ۲ مضمون‌های اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در دوره سازندگی که از ۵۱ کد اولیه و ۳۰ مضمون فرعی استخراج شده، آمده است.

## ۲. دوره اصلاح‌طلبان

در دوره اصلاح‌طلبان که مقارن با تشکیل نخستین دوره شورای اسلامی شهرداری تهران بوده و مهم‌ترین شهرداران آن مرتضی الویری و محمدحسن ملک‌مدنی به ترتیب با دوره مسئولیت ۳۳ و ۱۱ ماه هستند، تحت تأثیر اتفاقات اواخر دوره سازندگی که به برخورد قضایی با مدیران شهرداری منجر شد، فعالیت‌های فرهنگی شهرداری نسبت به گذشته با شدت کمتری تداوم داشته است. مهم‌ترین مسئله سیاست‌گذاری فرهنگی در این دوره، دعوای سیاسی بر سر مدیریت سازمان فرهنگی و هنری است که در جدول ۵ در مضمون اصلی «ترویج و تحکیم ایدئولوژی انقلابی و دینی با محوریت تبدیل تهران به شهری با هویت اسلامی ایرانی» و مضمون فرعی ضرورت «نقد محتوای فعالیت‌های فرهنگی هنری شهرداری در دهه ۱۳۷۰» به آن اشاره شده است. در این دوره، سیاست‌گذاران در بیان رسمی مقامات شهری، به دستورکار «ترویج و تحکیم ایدئولوژی» با عناوین مختلفی از جمله توجه به هویت اسلامی-ایرانی توجه کرده‌اند. به نظر می‌رسد این دستورکار پاسخی به نقدهایی است که در حوزه فرهنگی به دوره سازندگی و بعدتر در فضای سیاسی کشور به گفتمان اصلاحات مطرح می‌شد و می‌توان آن را تلاشی برای خوداثباتی مقامات شهری به منتقدان دانست. براساس نتایج تحلیل مضمون، در این دوره علاوه بر این دستورکار، به دستورکارهای ارتقای سرانه‌های فرهنگی-هنری، سیاست‌های زمانی



محدود، تشخص شهر با یادمان‌سازی از مفاخر مذهبی و ملی، شهدا و رویدادها، حمایت از صنایع فرهنگی با مساعدت و کمک به فعالان فرهنگی و هنری، آموزش شهروندی، ایجاد ساختار و تشکیلات پژوهشی و فرهنگی در معاونت امور اجتماعی و فرهنگی و کمک به نهادهای فرهنگ‌ساز توجه شده است. در جدول ۲ مضمون‌های اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در دوره اصلاح‌طلبان که از ۳۳ کد اولیه و ۱۹ مضمون فرعی استخراج شده، آمده است.

### ۳. دوره آبادگران

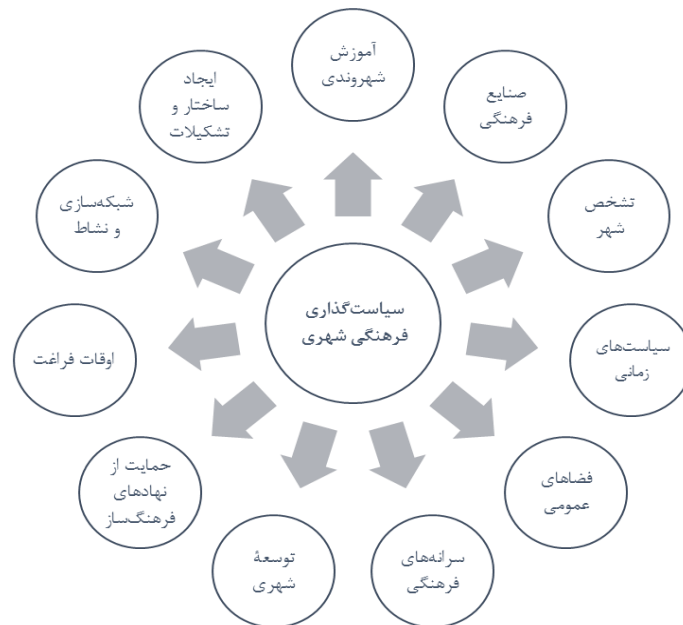
با روی‌کارآمدن شورای اسلامی دوم شهر تهران و مدیریت ۲۵ ماهه محمود احمدی‌نژاد در سمت شهردار تهران، دستورکارهای سیاست‌گذاری فرهنگی شهری نسبت به دوره اصلاح‌طلبان با جدیت بیشتری تعیین و عملیاتی شده است. به نظر می‌رسد یکپارچگی سیاسی بین نهادهای بالادستی سیاست‌گذاری فرهنگی و شورای شهر تهران و برقراری فضای اعتماد بین این دو از یک سو و اولویت‌بخشی به سیاست‌های فرهنگی توسط جریان آبادگران که بعدها به اصولگرایان تحویل شدند و انگیزه‌های سیاسی شهردار وقت که مورد توجه منتقدان نیز قرار گرفت از سوی دیگر، از دلایل اهمیت دوباره سیاست‌گذاری فرهنگی در مدیریت شهری تهران است. مهم‌ترین تحول سیاست‌گذاری فرهنگی در این دوره، مصوبات شورای شهر است که از آن جمله می‌توان به «چگونگی مشارکت شهرداری تهران در سامان‌دهی وضعیت مساجد در شهر تهران»، «سامان‌دهی نحوه مشارکت شهرداری تهران در برگزاری مراسم مذهبی، ملی و آیین‌های سنتی در شهر تهران»، «چگونگی مشارکت شهرداری تهران در سامان‌دهی بافت تاریخی، مذهبی و فرهنگی شهر تهران»، «چگونگی جلب و جذب مشارکت بخش خصوصی در توسعه مجتمع‌های فرهنگی و سینمایی شهر تهران» و «سامان‌دهی اوقات فراغت شهروندان تهرانی به‌ویژه جوانان و نوجوانان» اشاره کرد. در واقع این مصوبات مبدأ و تعیین‌کننده دستورکارهای سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در دوره سوم و چهارم مورد بررسی در این پژوهش هستند. در این دوره دستورکار «ترویج و تحکیم ایدئولوژی با محوریت اندیشه انتظار و مهدویت» به‌طور ویژه دنبال شد. در سیاست مهدویت و انتظار، علاوه بر برگزاری فراگیر جشن‌های نیمه شعبان، سرمایه‌گذاری روی فناوری‌های جدید ارتباطی برای ترویج این سیاست صورت گرفت. برگزاری نمایشگاه عطر سیب نیز سرآغاز کمک به هیئت‌های عزاداری توسط مدیریت شهری و

برجسته‌ترین کد در مضمون فرعی کمک به هیئت‌های عزاداری و مضمون اصلی (سیاست) کمک به نهادهای فرهنگ‌ساز بود. این دستورکار به‌نوعی نشان‌دهنده استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی شهرداری برای فعالیت‌های حامی‌پرورانه سیاسی بود. در دوره آبادگران علاوه بر این دو سیاست، سیاست‌های ارتقای سرانه‌ها متناسب با تغییرات فناورانه و جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تحول و سامان‌دهی سیاست‌های زمانی، تشخیص شهر با حفاظت از میراث و ارزش‌های فرهنگی، آموزش شهروندی از طریق گروه‌های مرجع و رسانه‌ها، سامان‌دهی اجرای برنامه‌های اوقات فراغت جوانان و نوجوانان و کودکان تعیین و اجرایی شدند. در این دوره علاوه بر این سه سیاست و به غیر از توسعه شهری و گسترش فضاهای عمومی، سایر گونه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی شهری مورد توجه تصمیم‌گیران شهری بوده‌اند. در جدول ۲ مضمون‌های اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در دوره آبادگران که از ۳۵ کد اولیه و ۲۲ مضمون فرعی استخراج شده، آمده است.

#### ۴. دوره اصولگرایان

در دوره اصول‌گرایان، محمدباقر قالیباف ۱۴۳ ماه شهردار تهران بود و همه دستورکارهای فرهنگی که در بخش ادبیات نظری صورت‌بندی اولیه شدند و چهار دستورکار دیگر به‌نوعی ظهور و بروز داشتند. در واقع در دوره اصولگرایان، دستورکاری ترویج و تحکیم ایدئولوژی با تأکید بر فرهنگ اسلامی-ایرانی، توسعه شهری، ارتقای سرانه‌های فرهنگی شهری با مشارکت بخش خصوصی، سیاست‌های زمانی متنوع، تشخیص و هویت‌بخشی به شهر با استفاده از هنرهای عمومی، تکریم مفاخر و تأکید بر بازنمایی یادمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، اهتمام به صنایع فرهنگی با اتخاذ سیاست‌های حمایتی از اصناف و فعالان این صنعت و توجه ویژه به رونق‌بخشی گردشگری، فعالیت‌های آموزشی با رویکرد ارتقای فرهنگ عمومی و فرهنگ شهروندی، گسترش فضاهای عمومی، غنی‌سازی اوقات فراغت شهروندان، کمک به نهادهای فرهنگ‌ساز و شکوفایی استعدادها، شبکه‌سازی شهروندان و ارتقای نشاط اجتماعی و شادی اتخاذ و عملیاتی شده‌اند. یکی از نکات قابل توجه در دوره چهارم، حضور فعال شورای اسلامی شهر تهران در سیاست‌گذاری فرهنگی با مصوبه‌های گوناگون بود. مصوبه‌هایی که هم موضوعات ایدئولوژیک و هم موضوعات مربوط به صنایع فرهنگی را دربرمی‌گرفت.

رویکردهای شهردار چهارده‌ساله تهران در حوزه فرهنگی نیز سبب تقویت سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری چه در زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و چه در مورد فعالیت‌های میدانی شد. علاوه بر فعالیت‌های متعددی که هریک به‌نوعی به دستورکار ترویج و تحکیم ایدئولوژی در مدیریت شهری تهران مرتبط است. به نظر می‌رسد دستورکار «شبکه‌سازی شهروندان با برگزاری جشنواره و ارتقای نشاط اجتماعی و شادی» که تحت تأثیر فضای خمودگی و رخوت حاکم بر جامعه شهری که در دوران پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و اتفاقات بعدی آن شکل گرفته است، از مهم‌ترین دستورکارهای سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در دوره اصول‌گرایان است. در این دوره در عمل به دستورکار گسترش فضاهای عمومی با اجرای برنامه در بوستان‌ها و سایر فضاهای فرهنگی و همچنین تکمیل زیرپروژه‌های منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد و سایر پروژه‌های فرهنگی تفریحی توجه شده است. در جدول ۲ مضمون‌های اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در دوره اصول‌گرایان که از ۱۲۰ کد اولیه و ۵۵ مضمون فرعی استخراج شده، ارائه شده است.



نمودار ۲. دستورکارهای سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در مدیریت شهری تهران

## جدول ۲. مضامین اصلی دستورکارهای سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در مدیریت شهری تهران

(۱۳۹۶ - ۱۳۶۸)

اصولگرایان (شهریور ۱۳۸۴ تا شهریور ۱۳۹۶)	آبادگران (اردیبهشت ۱۳۸۲ تا شهریور ۱۳۸۴)	اصلاح‌طلبان (خرداد ۱۳۷۸ تا اردیبهشت ۱۳۸۲)	سازندگی (دی ۱۳۶۸ تا خرداد ۱۳۷۸)
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ترویج و تحکیم ایدئولوژی با تأکید بر فرهنگ اسلامی ایرانی؛</li> <li>- توسعه شهری با هدف تحقق شهر انسانی؛</li> <li>- ارتقای سرانه‌های فرهنگی شهری با مشارکت بخش خصوصی؛</li> <li>- سیاست‌های زمانی متنوع؛</li> <li>- تشخیص و هویت بخشی به شهر با استفاده از هنرهای عمومی، تکریم مفاخر و تأکید بر بازنمایی یادمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی؛</li> <li>- اهتمام به صنایع فرهنگی با اتخاذ سیاست‌های حمایتی از اصناف و فعالان این صنعت و توجه ویژه به رونق‌بخشی گردشگری؛</li> <li>- فعالیت‌های آموزشی با رویکرد ارتقای فرهنگ عمومی و فرهنگ شهروندی؛</li> <li>- گسترش فضاهای عمومی؛</li> <li>- گسترش ساختار و تشکیلات برای سامان‌دهی؛ فعالیت‌های متنوع فرهنگی؛</li> <li>- غنی‌سازی اوقات فراغت شهروندان با رویکرد مذهبی؛</li> <li>- کمک به نهادهای فرهنگ‌ساز مانند مساجد، پایگاه‌های بسیج، هیئت‌های عزاداری، مدارس، کانون‌ها و سایر مراکز فرهنگی؛</li> <li>- شکوفایی استعدادها، شبکه‌سازی شهروندان با برگزاری جشنواره‌ها و ارتقای نشاط</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ترویج و تحکیم ایدئولوژی با محوریت اندیشه انتظار و مهدویت؛</li> <li>- ارتقای سرانه‌ها متناسب با تغییرات فناورانه و جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛</li> <li>- تحول و سامان‌دهی سیاست‌های زمانی با رویکرد مذهبی؛</li> <li>- تشخیص شهر با حفاظت از میراث و ارزش‌های فرهنگی؛</li> <li>- آموزش شهروندی از طریق گروه‌های مرجع و رسانه‌ها؛</li> <li>- سامان‌دهی و اجرای برنامه‌های اوقات فراغت جوانان و نوجوانان و کودکان؛</li> <li>- کمک به نهادهای فرهنگ‌ساز مانند مساجد، هیئت‌های عزاداری، پایگاه‌های بسیج، مدارس و کتابخانه‌ها؛</li> <li>- برگزاری جشنواره به‌ویژه برای کودکان.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ترویج و تحکیم ایدئولوژی انقلابی و دینی برای مقابله با تهاجم فرهنگی؛</li> <li>- توسعه شهری با بازآفرینی فضاهای متروکه، محرومیت‌زدایی و توسعه فرهنگی؛</li> <li>- ارتقای سرانه‌های فرهنگی و کیفیت زندگی و جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛</li> <li>- سیاست زمانی دینی و انقلابی؛</li> <li>- بازیابی هویت و تشخیص شهری؛</li> <li>- رونق‌بخشی به صنایع فرهنگی با محوریت ایجاد فضای عرضه محصولات فرهنگی هنری؛</li> <li>- آموزش شهروندی مبتنی بر شهروندسازی؛</li> <li>- گسترش فضاهای عمومی؛</li> <li>- ایجاد ساختار و تشکیلات فرهنگی با محوریت گسترش ساختار اداری مستقل حوزه فرهنگی و اجتماعی در شهر؛</li> <li>- اوقات فراغت با محوریت توسعه زیرساخت، اجرای برنامه‌های فراغتی و مهارت‌آموزی.</li> </ul>	

اصولگرایان (شهریور ۱۳۸۴ تا شهریور ۱۳۹۶)	آبادگران (اردیبهشت ۱۳۸۲ تا شهریور ۱۳۸۴)	اصلاح‌طلبان (خرداد ۱۳۷۸ تا اردیبهشت ۱۳۸۲)	سازندگی (دی ۱۳۶۸ تا خرداد ۱۳۷۸)
اجتماعی و شادی.			

### بحث و نتیجه‌گیری

به مفهوم بین‌رشته‌ای سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در ادبیات جامعه‌شناسی، سیاست‌گذاری عمومی و سیاست‌گذاری شهری کمتر توجه شده است. موضوع مقاله صورت‌بندی این مفهوم است که در منابع علمی کمتر به آن پرداخته شده است. این در حالی است که مدیریت شهری در کشورهای مختلف و ایران و مشخصاً در تهران همواره در حال سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های فرهنگی هستند. مدیریت شهری تهران از سال ۱۳۶۸ به بعد در عمل موضوعات فرهنگی را به‌طور جدی‌تری نسبت به گذشته در دستورکار خود قرار داده است. در این پژوهش، مضامین سیاست‌گذاری فرهنگی-شهری مدیریت شهری تهران احصا شد. براساس خلق مفهومی اولیه، سیاست‌گذاری فرهنگی شهری دست‌کم ناظر بر هشت نوع شامل ترویج و تحکیم ایدئولوژی، در راستای توسعه شهری، برای ارتقای سرانه‌ها، گسترش فضاهای عمومی، در راستای سیاست‌های زمانی، در مورد صنایع فرهنگی، در مورد آموزش شهروندی و برای تشخیص شهری است. با بررسی تجربه تحقیق‌یافته در مدیریت شهری تهران این مفهوم در دوره‌های سازندگی، اصلاح‌طلبان، آبادگران و اصول‌گرایان بازصورت‌بندی و انواع متفاوت سیاست‌گذاری فرهنگی شهری به الگوی اولیه اضافه شد. بر این اساس علاوه بر هشت نوعی که در ابتدای پژوهش صورت‌بندی شد، چهار نوع دیگر شامل ایجاد ساختار و تشکیلات فرهنگی، شکوفایی استعدادها، شبکه‌سازی شهروندان و ارتقای نشاط اجتماعی و شادی، اوقات فراغت و حمایت از نهادهای فرهنگ‌ساز را دربرمی‌گیرد؛ درحالی‌که در دوره سازندگی، شهرداری تهران با احداث فرهنگسرا، خانه فرهنگ محله، کتابخانه، نگارخانه و... نسبت به گذشته کارکرد مهمی در ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی داشته است؛ ناگزیر ترویج و تحکیم ایدئولوژی را که مورد انتظار دستگاه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی بیرون شهرداری بوده نیز با هدف مقابله با تهاجم فرهنگی در دستورکار داشته است. تأسیس سازمان فرهنگی هنری در این دوره هم جزئی از این دستورکار است که با هدف سیاست‌گذاری و کنترل محتوای برنامه‌هایی که در فضاهای فرهنگی ساخته‌شده توسط شهرداری اجرا شده‌اند، طراحی شده است. این موضوع در دوره اصلاح‌طلبان

با این نقد همراه بوده که «کار فرهنگی و فهم فرهنگی» می‌خواهد و شهرداری از این فهم تهی است. با این همه، اهمیت دستورکار ترویج و تحکیم ایدئولوژی به سیاست «انتظار و مهدویت» در دوره آبادگران، فعالیت‌های گسترده اصول‌گرایان برای نشر فرهنگ اسلامی ایرانی از جمله با احداث و توسعه مساجد و ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی و سامان‌دهی و غنی‌سازی اوقات فراغت شهروندان با فعالیت‌های مذهبی بازمی‌گردد. همچنین بخش مهمی از فعالیت‌هایی که به‌عنوان دستورکار «کمک به نهادهای فرهنگ‌ساز» صورت‌بندی شده‌اند، صورتی ایدئولوژیک دارند. شاخص‌ترین این فعالیت‌ها آغاز کمک به هیئت‌های عزاداری با عنوان عطر سبب در دوره آبادگران است. به نظر می‌رسد این دستورکار و دستورکار «شکوفایی استعدادها، شبکه‌سازی شهروندان و ارتقای نشاط اجتماعی و شادی» واجد سویه‌های سیاسی هستند. مضامین ساخته‌شده از تحلیل کدهای اولیه نشان می‌دهد دستورکارهای سیاست‌های زمانی و تشخیص شهر نیز در همه دوره‌ها در راستای دستورکارهای ایدئولوژیک شهرداری شکل گرفته است. اوج پرداختن به دستورکار تشخیص شهر در دوره اصول‌گرایان بوده که مضمون اصلی آن با عنوان «تشخیص و هویت‌بخشی به شهر با استفاده از هنرهای عمومی، تکریم مفاخر و تأکید بر بازنمایی یادمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی» آشکار شده است.

وجه مهم و مشترک سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در همه دوره‌ها که البته در دوره آبادگران کمتر به آن توجه شده، آموزش شهروندی است. این دستورکار ناظر بر فعالیت‌های فرهنگی-هنری حوزه‌های عملکردی شهرداری نظیر خدمات شهری، محیط‌زیست و حمل‌ونقل و ترافیک است. دو دستورکار مهم دیگر با سیاست‌های توسعه شهری و ارتقای سرانه‌ها مرتبط است. دستورکار توسعه شهری در دوره سازندگی با عنوان «توسعه شهری با بازآفرینی فضاهای متروکه، محرومیت‌زدایی و توسعه فرهنگی» صورت‌بندی شده که مهم‌ترین عنصر معنابخش آن، تبدیل فضاهای متروکه و نامناسب شهری، نظیر کشتارگاه، کارخانه آبجوسازی و قبرستان به فضاهای فرهنگی هنری است. احداث مراکز فرهنگی مانند مجتمع‌های سینمایی، پردیس تئاتر، باغ‌موزه دفاع مقدس، باغ‌کتاب و... در دوره اصول‌گرایان مهم‌ترین نمونه‌های دستورکار ارتقای سرانه‌های فرهنگی در دوره اصول‌گرایان است. از سال ۱۳۶۸ در چارچوب این دستورکار، همواره جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی موضوعیت داشته است. از وجوه متفاوت دستورکارگذاری فرهنگی در مدیریت شهری تهران گسترش فضاهای عمومی شهری و تقویت

حیات مدنی با ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی است. این زیرساخت‌ها هم فضاهایی نظیر باغ‌کتاب تهران را شامل می‌شود و هم اجرای برنامه در فضاهای باز شهری مانند بوستان‌ها که می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگو و اختلاط فرهنگی بین شهروندان باشد. این دستورکار بیش از همه در دوره سازندگی و بیشتر از آن در دوره اصول‌گرایان ظهور و بروز داشته است. توجه به صنایع فرهنگی نیز در همه دوره‌ها با سیاست گسترش گردشگری شهری همراه بوده است.

موضوع اصلی این پژوهش، نبود صورت‌بندی فعالیت‌های متعدد مدیریت شهری تهران در حوزه فرهنگی و مهم‌ترین دستاورد آن بازتعریف و صورت‌بندی دستورکارهای سیاست‌گذاری فرهنگی شهری برای بهره‌برداری فعالان این حوزه اعم از سیاست‌گذاران و پژوهشگران است. در نمودار ۲ انواع سیاست‌گذاری فرهنگی شهری از یکدیگر متمایز شده است و در اینجا با توجه به احصا و صورت‌بندی دوازده دستورکار سیاست‌گذاری فرهنگی شهری پیشنهادی زیر ارائه می‌شود:

- مراحل و فرایندهای سیاست‌گذاری فرهنگی شهری، از نحوه دستورکارگذاری تا پیش‌ارزیابی، اجرا، پایش و نظارت، از منظر کارایی و اثربخشی تحلیل و بررسی شود؛
- کارگزاران رسمی سیاست شهری با توجه به تعدد دستورکارهای احصاشده، دستاوردها و چالش‌های قریب به سی سال سیاست‌گذاری فرهنگی در مدیریت شهری تهران را ارزیابی و با توجه به حوزه‌های مأموریتی شهرداری، به نحوی بازناندیشی کنند که بیشترین آورده را برای حیطه‌های عملکردی این سازمان از جمله در آموزش شهروندی، حمل‌ونقل و ترافیک و خدمات شهری و پسماند به‌دنبال داشته باشد؛
- با توجه به شناسایی دستورکارهایی نظیر «ترویج و تحکیم ایدئولوژی»، «سیاست‌های زمانی»، «صنایع فرهنگی» و «کمک به نهادهای فرهنگ‌ساز» پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران شهری نقش‌های قانونی شهرداری و سایر بازیگران محیط پیچیده و پربازیگر سیاست‌گذاری فرهنگی را احصا کنند و شهرداری متناسب با این نقش‌ها تکالیف خود را اجرا کند.

## منابع

اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی*، تهران: جامعه‌شناسان.

- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵)، بررسی انتقادی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری در ایران، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۱: ۱۰۲-۷۹.
- ایمانی جاجرمی، حسین، نوذریپور، علی، ایازی، سید محمدهادی، صالحی، اسماعیل، سعیدی رضوانی، نوید، عبدالمهدی، مجید و کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۲)، مدیریت شهری، جلد دوم، تهران: تیسرا.
- باستیه، جان و برنارد دزر (۱۳۸۲)، شهر، ترجمه علی اشرفی، تهران: دانشگاه هنر.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۶)، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: سمت.
- پارسونز، واین (۱۳۹۲)، مبانی سیاست‌گذاری عمومی، جلد اول، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پارسی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، شناخت محتوای فضای شهری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۱: ۴۹-۴۱.
- توپلر، استفان و زیمر، آنت (۱۳۸۸)، دولت و هنرها در اروپای غربی و ایالات متحده، در فرهنگ جهانی: رسانه، هنر، با ویراستاری دایانا کرین، نوبوکو کاواشیما و کنجی کاوازاکی، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹)، جامعه مدنی و حیات شهری، هنرهای زیبا، شماره ۷: ۳۲-۲۱.
- حجتی، نگین و نعمتی‌مهر، مرجان (۱۳۹۸)، شناسایی نشانگرهای برنامه‌ریزی فرهنگی در شهرهای ایران، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۴۸: ۱۹۱-۱۶۹.
- رحیمیان، اشرف و منوریان، عباس (۱۳۹۵)، برندسازی شهری در ایران: کارکرد، تجارب و فرایند، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- سازمان برنامه و بودجه، دفتر فنی (۱۳۶۹)، قرارداد تهیه طرح‌های توسعه و عمران، حوزه نفوذ و تفصیلی شهرها، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- سالدنا، جانی (۱۳۹۵)، راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: علمی و فرهنگی.
- سینگ، جی. پی (۱۳۹۶)، قدرت و سیاست‌های فرهنگی جهانی، در سینگ، جی. پی (سر ویراستار)، مجموعه مقالات قدرت و سیاست فرهنگی در روابط بین‌الملل، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- شافریتز، جی. ام. و کریستوفر، پی. بریک (۱۳۹۰)، سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- شریعتی، سارا و سروش‌فر، زهره (۱۳۹۶)، بررسی سیاست زمانی حاکم بر تقویم ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۱، ۸۹-۶۷.



شورای اسلامی شهر تهران، بودجه سال ۱۳۹۶ شهرداری تهران و سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه، سامانه جامع مصوبات شورای اسلامی شهر تهران، بازیابی شده از:

<http://laws.tehran.ir/Law/TreeText/4038>

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (۱۳۸۹)، مصوبه تعاریف و مفاهیم کاربری‌های شهری و تعیین سرانه‌ها.

عبدی، عباس (۱۳۸۸)، تجزیه فرهنگی، در مجموعه مقالات تحولات فرهنگی در ایران، نویسندگان: عبدی، عباس و گودرزی، محسن، تهران: علم.

فاضلی، محمد (۱۳۹۱ الف)، پیوست اجتماعی و فرهنگی در مدیریت شهری؛ مطالعه موردی شهر تهران، در کتاب مجموعه مقالات همایش علمی مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران (ماتریس فرهنگی)، جلد اول، تهران: تیسرا.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱ ب)، فرهنگ و شهر: چرخش‌های فرهنگی در گفتمان‌های شهری، تهران: تیسرا. فکوهی، ناصر (۱۳۹۴)، ارائه سازوکارهای نوآورانه جهت استفاده از مناسبت‌های ملی، مذهبی و نکوداشت‌ها برای توسعه اجتماعی، طرح پژوهشی در مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

کاکرین، آلن (۱۳۹۷)، سیاست‌های شهری، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: آذرخش.

کلاینبرگ، اریک (۱۳۹۹)، کاخ‌هایی برای مردم، ترجمه حسین ایمانی جاجرمی، تهران: شیرازه.

گودرزی، غلامرضا و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۸۸)، تحلیل وضعیت موجود سامان‌دهی نهادهای فرهنگی کشور با نگاهی به مفهوم و مبانی مهندسی فرهنگی، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۵: ۱۳۹-۱۱۹. محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱ (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان.

معاونت برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران (۱۳۹۵)، کتاب بودجه مصوب سال ۱۳۹۶ شهرداری تهران.

مهرگان، کیوان و داوری، بهروز (۱۳۹۹)، یک قرن در یک قاب، تهران: مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری.

مهندسین مشاور عبدالعزیز فرمانمائیان و مؤسسه ویکتور گروئن (۱۳۴۵)، طرح جامع تهران، جلد سوم، طرح پژوهشی در شورای عالی شهرسازی ایران.

میلر، توبی و یودیس، جورج (۱۳۸۹)، سیاست فرهنگی، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

نصر اصفهانی، آرش (۱۳۹۴)، شهر رویدادمدار؛ گردشگری و اقتصاد فرهنگ در کلان‌شهرها، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

نهاد مطالعات و تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران (۱۳۸۶)، طرح راهبردی-ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (طرح جامع تهران)، طرح پژوهشی در نهاد مطالعات و تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران.

ویلیامز، ریموند (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی فرهنگ*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- Cochrane, A. (2020). Urban Policy. In The Audrey Kobayashi (Edited). *International Encyclopedia of Human Geography*. (p p 93 – 96). Amsterdam: Elsevier.
- Dioume, O. (2008). The effects of science and technology on intellectual culture and art. In The Sarvepalli, G. & Sergei L. Tikhvinsky (Edited). *History of Humanity; Scientific and Cultural Development* (p p 358 – 361). London & New York: Routledge.
- McCann, E. J. (2002). The cultural politics of local economic development: meaning-making, place-making, and the urban policy process. *Geoforum*, 33, 385–398.
- Montalto, V., & Moura, C. J. T., Langedijk, S., & Saisana, M. (2019). Culture counts: An empirical approach to measure the cultural and creative vitality of European cities. *Cities (The International Journal of Urban Policy and Planning)*, 89.
- Mulcahy Kevin, V. (2006). Cultural Policy: Definitions and Theoretical Approaches. *Journal of Arts Management, Law, and Society*, 35, 319 – 330.
- Navarro, C. J., & Terry N. C. (2012). cultural policy in european cities, An analysis from the cultural agenda of mayors. *European Societies*, 14, 636–659.
- Ochoa, E. A., & Canizalez Ramírez, P. M. (2018). Cultural industries and spatial economic growth a model for the emergence of the creative cluster in the architecture of Toronto. *City, Culture and Society*, 14, 47–55.
- Rosenstein, C. (2018). *Understanding Cultural Policy*. London & New York: Routledge.
- UNESCO (2015). *Re/Shpping cultural policies (Summary)*. Paris.
- United Cities and Local Governments Committee on culture (2004). *Agenda 21 for culture*. <http://www.agenda21culture.net/documents/document-1>